

نترسید! مرعوب نشوید!

بخوانید و از آزادی وجدان و عقیده خود دفاع کنید.
خلق کردگواه است که رژیم در مقابل مردمی که مصممانه
از حقوق مسلمشان دفاع کنند، هیچ غلطی نمیتواند بکند!

پیام کمیته ایجاد

"اتحاد کارگری علیه بیکاری"

سال قریب
در دو سالی که گذشت شاهد بودیم که روزی
میلیونها نفر انسان از شهرها و دهات به تهران آمدند و
در جاده ها چادر زدند و چندین روزه انتظار نشستند
تا رهبر از سفر بیاید و مرکبش را بردست بگیرند و هرچشم
بگذارند روزی دیگر همان مردم را در خیابانها
می بینیم که با چه نفرتی به آنان که شعار "رهبر
فقط روح الله میدهند، نظاره میکنند
یک روز فتوا می آید که مخالفت با دولت بازرگان
مخالفت با اسلام است و حزب الله چشم آنان را که
به دولت موقت چپ چپ نگاه میکنند در می آورد. روز
یک ماه های مخالفت دولت به آتش کشیده میشوند
و یک روز رئیس دولت موقت از دست همان مفتی و همان
حزب الله به سوراخ خزیده است

آنچه امروز در شهر و کشور خود شاهد هستیم
تجدید با دگرگی است از انقلاب توفنده ایوان
انقلابی که هرمانعی را چون خار و خشاک از پشه میکند
و گوئی هیچ نیروئی یارای کند کردن و متوقف نمودن آن
راندارد

انقلاب دوران پرتلاطمی از مبارزات حاد و طبقاتی
است. دورانی که سراسر آن پر است از اعتصاب ها
و شورش ها و قیام ها و کشتارها و جنگ ها و
کودتاها و افت و خیزهای بیشمار که بالاخره سوانحساز
خود را در یکسره شدن ده ساله قدرت در جامعه خرابند
یافت. آنزمان که انقلاب در جریان است
حوادث آنچنان بی وقفه و با سرعت از بی حمایتی
میافتند که گوئی هر روز سالی بوده است و هر...

یک روز فریاد "بنی صدر صد درصد" گوش
فک و اگر میکنند و روز دیگر فریاد "مرگ بر بنی صدر" ..
یک روز آخوند ها بکمک کمیته های به اصطلاح انقلابی
و مردم پرشور و مبارز را از جلوی سفارت آمریکا متفرق

سه تن از یارانمان

به جوخه های اعدام سپرده شدند

در صفحه آخر بخوانید

زنده باد انقلاب!

میکنند ، عمل انقلابی مردم را در جبهه مبارزه با استبداد و امپریالیسم را با عزت و احترام روانه می نمایند و برودت مگر ، همچنان حکم دستگیری کسانی را صادر میکنند که باعث شده اند ضمن شمار مرگ برای کاروانی شوی...

یک روز کاندیدی همان مدینه خلق برای ریاست جمهوری درجانبه حمایت چند میلیون از مردم رزیده کردستان را نیز با خود دارد به یک اشاره پدریزگسار از شرکت در انتخابات کناره میگیرد برودت مگر همان او فریب مقاومت صلحانه در برابر برهمنیان او برسد برودت مگر را صادر می نماید...

یک روز فدائیان خلق در کردستان طبعه ریاست صلحانه میکنند و درگیر صلحانه از برهمنیان دهقانی به دفاع برخیزند برودت مگر با یک برهمنیان که در کتافهای او قاتلانی شرکت میکنند... (کویت)

و امروز سرت و قوت این افتات چنان شده است که مسافت باید منظر و قاع غیر منظر بود... در چنین شرایطی برترانگران و زمکشان ایران که با مرگشکن زندگی حتی فرصت فکر کردن به مرم ترین مسائل بلا فصل زندگی... به آنها نسیه ده چه میگذرد؟ خود میدانید که آنها را چه میشود... مسافت و بصورت به تا شاگردان همچان زده ای بدل شده اند که ساحتی شاهد ساکت فریادین دهنه هادر قلب پسر امید دختران و پسران از جان گذشته خود و ساحتی دیگر نظاره گر شمع جنازه سبزهان از جهنم برگشته... ساحتی ضال و عدلت بر زمین و زمان میکنند ساحتی دیگر در خطا برای پدر و مادر کسبی آموزشی طلبند که بهر درگوشه ای کار گذاشته است همه اصطلاح انتظامی گرفته است پس توجه به اینکه طاقت این کشتارها برودت مگر ما به کجا خواهیم...

خود میدانید که دهه ای از کارگران و زمکشان در سوگ پیشینی ما سینه میزند و دهه ای به طرفداری از بنی صدر سینه چاک میدهند ، دهه ای اسلای تکباری کشیده اند و شفا میکنند و دهه ای دل پیسه صدمات ناجیان نظامی بسته اند و مسرت گذاشته راضیخورد... بر راستی در این اوضاع آشفته که حتی رهبران سازمانهای سیاسی هرگز شمارشاری میدهند و در این سینه میگردند مگر کارگران چه باید بکنیم؟

آیا باید از دولت و حزب جمهوری اسلامی حمایت کنیم؟

نه! به هیچ وجه! بگذارید دهه ای ما و کنهتیی های بکر سفست ، این فرصت طلبان مرزه مرجعه صفا مند بگویند ، جنایات جمهوری اسلامی بخصوص پس از آنکه حزب مطلق العنان شد ، آنگذر و عشانه بر سر سودا است که روزه ایان بگوئیس نبود... آدم کشی های خبیانی حزب الله و این باند ساسی - های مزدور و اعدام های مغول وارد گامه های شرع و کشتارهای سیاهان با سدار همه همه برده از روی چهره کره حزب و جمهوری اسلامی برداشته است این همان جنسی است که از ابتدا خواهان سرکوب بلادرنگ و مستقیم انقلاب و فریادهای انقلابی بود و از همان ابتدا با صدای بلند و از قول امیرالمسلم به همه فهاوند که بدین سرکوب انقلاب و انقلابین نه صلحند لازمست نه کارخانه ، نه نظم ، نه قانون ، نه دانشگاه ، نه مدرسه ، نه اداره و نه هیچ چیز دیگر... این همان جنسی است که از شروع کار تریست های

حرفه ای و باند های سپاه را سازمان دادند تا در همه جا به شکار انقلابین بپردازند و مرموع حرکتها ترغابی مردم را به نام مردم سرکوب کنند.

این همان جنسی است که اجدهای اسلامی را در همه کجا ، خانه ها ، مدرسه ها و ادارات ایجا کرد تا بعد تا نقش ادارات حفاظت قدیم را بازی کنند ، انقلابین را شتاسانی نمایند ، احساب غارادرمسم بشکنند و صدای اعتراضی را در رطفه خفه کنند.

این همان جنسی است که بهمان گذار میانه با سداران سرطایه است ، سیاهی که جنایاتش در کردستان و ترکیمن صغرا و انزلی ، شوهه خاص و هسام شده است.

این همان جنسی است که تلاش میکند زبانه ترین جنایات ما و سیما نه ترین سرکوب های حکومت سرطایه را با اسفاده و طام از اسامک دینی با حد اکثر سوء استفاده از احساسات مذهبی مردم ، مشروع و مقدس جلوه دهد.

این همان جنسی است که بوجود آمد تا انقلاب راه نام انقلاب سرکوب کند ، این همان جنسی است که نباید گذار بود رجسلی اسلامی شناخته آید...

دشمنان قسم خورده کارگران و زمکشان ، انقلابین و کجسیت ما... این همان جنسی است که شجارت حکومت اسلامی است و طام جنایاتش را با آنگاه به اسکا با سلام مرتب شده است... مذمب که همیشه ابزار و اسبابی در خدمت است کارگران بوده است در دست ایان تمام کسطل به سلاسی برنده برای دفاع از جامع سرطایه و امیرالمسلم بدل شده است... امروز دیگر همه مردم اسامک اسامک که بر طبق آن مرموع به راحتی دختران و پسران خرید و سال و به جوجه های اعدام خورد و دست گرونگان صفاصل را قطع نمود ، زندانیان را شکنجه کرد و مخالفان را کشت ، نوم کش ها را تمام کش کرد ، اسرا را سنگسار و پاهای جبهه برهمنیان حرام نمود و راستی خوبی شناسند و اندوختند و میدهند که حتی بیداد گامه نظامی شاه نیز از دستور چنین اسکاکی اباد اشعد... به اجراء آمدن همه اسکاکی اسامک... در خدمت سرطایه و امیرالمسلم... این همه آن چیزی است که قدرت یافتن صغرب جمهوری اسلامی و تهیست حکومت مسعود

نموده شد... سرکوب و عشانه انقلاب و فریادهای انقلابی ، طبق قوانین تعطلی ناپذیر الهی توانست که بنی بشر حتی حق دو خواست تغییر آنها را نیز ندارد! امروز تمام تلاش حزب رژیم جمهوری اسلامی این است که با کشتارها و سرکوب های اسلامی اثر همه امیرالمسلم و طبقه سرطایه در انفعالند که مرموع مرموع بود بکر خوبی باشد ، مرموع مرموع بنیادهای اسفکار کارگران را با قطع و قطع انقلاب و انقلابین سرکوب کرد... خیر! کارگران و زمکشان ایران هرگز نباید حتی لحظه ای به تهیست این حکومت بزرده ای به داخلمان آن حد رسانند... تا خیابان جدائی کامل مذمب از دولت و فرغ هرگونه ستم و عصبیت مذمبی در هیچ مردم مستقیم و هیچ وجه از جنین... و حتی حمایت نخواهم کرد... دفاع از جمهوری اسلامی ، چه حزب و چه دولت ، که دشمنی آن با مردم مرموع ایران دیگر نیازی به اثبات ندارد... از مرموع مرموع و برهمنیان و چهره ایران و سا نوکران بی چهره و واجب آن همین کنهتیی است که وجوده ای ما برمی آید پس! کارگران و زمین نگار! هرگز!

آیا باید از لژیونرهای اوینی صدر دفاع کنیم؟

نه! به هیچ وجه! کجسیت بیست و نه این دستاوردهای انقلاب و تمام پسر شکره مردم زنده کنی ایران است که در کشتن های ایران مرموع و بنی اسازد بگری نه پند مرموع؟

نه! به هیچ وجه! همه آنها باید در دادگاههای انقلابی که در طول انقلاب و پس از انقلابی ان تشکیل خواهیم داد محاکمه شوند... جمهوری اسلامی... سال است که دست بکار سرکوب انقلاب شده است... سال است که انقلاب...

... سال است که به حقوق مسلم مردم دستاوردهای انقلاب بر سرش آورده است... سال است که بر سر مردم بی دفاع کردستان به سبب مهادت... سال است که با دشمنان بهمان آنگار مردم... با امیرالمسلم جهانی و جیره خواران آنها بر طریقه مردم مرموع ایران توطئه میکند... سال است که جازرات بحق کارگران ایران را بکنند... سال است که چهارمده هفته است که از حکومت جدا شده اند...

این جدائی آنها از جنایاتی که مرتب شده است... مری نسیماز... آنها مش شریک مرم و حمایت جمهوری اسلامی بوده اند... بنی صدر خود در شورای انقلاب بوده است که فرمان کشتار در کردستان را صادر کرده... لژیونرها از آن که گمب و غور و طریقه خون کشیده میشد در آن جنایات بود... مری نسیماز... آنها مش شریک مرم و حمایت جمهوری اسلامی بوده اند... بنی صدر خود در شورای انقلاب بوده است که فرمان کشتار در کردستان را صادر کرده... لژیونرها از آن که گمب و غور و طریقه خون کشیده میشد در آن جنایات بود...

... این همان جنسی است که شجارت حکومت اسلامی است و طام جنایاتش را با آنگاه به اسکا با سلام مرتب شده است... مذمب که همیشه ابزار و اسبابی در خدمت است کارگران بوده است در دست ایان تمام کسطل به سلاسی برنده برای دفاع از جامع سرطایه و امیرالمسلم بدل شده است... امروز دیگر همه مردم اسامک اسامک که بر طبق آن مرموع به راحتی دختران و پسران خرید و سال و به جوجه های اعدام خورد و دست گرونگان صفاصل را قطع نمود ، زندانیان را شکنجه کرد و مخالفان را کشت ، نوم کش ها را تمام کش کرد ، اسرا را سنگسار و پاهای جبهه برهمنیان حرام نمود و راستی خوبی شناسند و اندوختند و میدهند که حتی بیداد گامه نظامی شاه نیز از دستور چنین اسکاکی اباد اشعد... به اجراء آمدن همه اسکاکی اسامک... در خدمت سرطایه و امیرالمسلم... این همه آن چیزی است که قدرت یافتن صغرب جمهوری اسلامی و تهیست حکومت مسعود

نموده شد... سرکوب و عشانه انقلاب و فریادهای انقلابی ، طبق قوانین تعطلی ناپذیر الهی توانست که بنی بشر حتی حق دو خواست تغییر آنها را نیز ندارد! امروز تمام تلاش حزب رژیم جمهوری اسلامی این است که با کشتارها و سرکوب های اسلامی اثر همه امیرالمسلم و طبقه سرطایه در انفعالند که مرموع مرموع بود بکر خوبی باشد ، مرموع مرموع بنیادهای اسفکار کارگران را با قطع و قطع انقلاب و انقلابین سرکوب کرد... خیر! کارگران و زمکشان ایران هرگز نباید حتی لحظه ای به تهیست این حکومت بزرده ای به داخلمان آن حد رسانند... تا خیابان جدائی کامل مذمب از دولت و فرغ هرگونه ستم و عصبیت مذمبی در هیچ مردم مستقیم و هیچ وجه از جنین... و حتی حمایت نخواهم کرد... دفاع از جمهوری اسلامی ، چه حزب و چه دولت ، که دشمنی آن با مردم مرموع ایران دیگر نیازی به اثبات ندارد... از مرموع مرموع و برهمنیان و چهره ایران و سا نوکران بی چهره و واجب آن همین کنهتیی است که وجوده ای ما برمی آید پس! کارگران و زمین نگار! هرگز!

... این همان جنسی است که شجارت حکومت اسلامی است و طام جنایاتش را با آنگاه به اسکا با سلام مرتب شده است... مذمب که همیشه ابزار و اسبابی در خدمت است کارگران بوده است در دست ایان تمام کسطل به سلاسی برنده برای دفاع از جامع سرطایه و امیرالمسلم بدل شده است... امروز دیگر همه مردم اسامک اسامک که بر طبق آن مرموع به راحتی دختران و پسران خرید و سال و به جوجه های اعدام خورد و دست گرونگان صفاصل را قطع نمود ، زندانیان را شکنجه کرد و مخالفان را کشت ، نوم کش ها را تمام کش کرد ، اسرا را سنگسار و پاهای جبهه برهمنیان حرام نمود و راستی خوبی شناسند و اندوختند و میدهند که حتی بیداد گامه نظامی شاه نیز از دستور چنین اسکاکی اباد اشعد... به اجراء آمدن همه اسکاکی اسامک... در خدمت سرطایه و امیرالمسلم... این همه آن چیزی است که قدرت یافتن صغرب جمهوری اسلامی و تهیست حکومت مسعود

نموده شد... سرکوب و عشانه انقلاب و فریادهای انقلابی ، طبق قوانین تعطلی ناپذیر الهی توانست که بنی بشر حتی حق دو خواست تغییر آنها را نیز ندارد! امروز تمام تلاش حزب رژیم جمهوری اسلامی این است که با کشتارها و سرکوب های اسلامی اثر همه امیرالمسلم و طبقه سرطایه در انفعالند که مرموع مرموع بود بکر خوبی باشد ، مرموع مرموع بنیادهای اسفکار کارگران را با قطع و قطع انقلاب و انقلابین سرکوب کرد... خیر! کارگران و زمکشان ایران هرگز نباید حتی لحظه ای به تهیست این حکومت بزرده ای به داخلمان آن حد رسانند... تا خیابان جدائی کامل مذمب از دولت و فرغ هرگونه ستم و عصبیت مذمبی در هیچ مردم مستقیم و هیچ وجه از جنین... و حتی حمایت نخواهم کرد... دفاع از جمهوری اسلامی ، چه حزب و چه دولت ، که دشمنی آن با مردم مرموع ایران دیگر نیازی به اثبات ندارد... از مرموع مرموع و برهمنیان و چهره ایران و سا نوکران بی چهره و واجب آن همین کنهتیی است که وجوده ای ما برمی آید پس! کارگران و زمین نگار! هرگز!

... این همان جنسی است که شجارت حکومت اسلامی است و طام جنایاتش را با آنگاه به اسکا با سلام مرتب شده است... مذمب که همیشه ابزار و اسبابی در خدمت است کارگران بوده است در دست ایان تمام کسطل به سلاسی برنده برای دفاع از جامع سرطایه و امیرالمسلم بدل شده است... امروز دیگر همه مردم اسامک اسامک که بر طبق آن مرموع به راحتی دختران و پسران خرید و سال و به جوجه های اعدام خورد و دست گرونگان صفاصل را قطع نمود ، زندانیان را شکنجه کرد و مخالفان را کشت ، نوم کش ها را تمام کش کرد ، اسرا را سنگسار و پاهای جبهه برهمنیان حرام نمود و راستی خوبی شناسند و اندوختند و میدهند که حتی بیداد گامه نظامی شاه نیز از دستور چنین اسکاکی اباد اشعد... به اجراء آمدن همه اسکاکی اسامک... در خدمت سرطایه و امیرالمسلم... این همه آن چیزی است که قدرت یافتن صغرب جمهوری اسلامی و تهیست حکومت مسعود

نموده شد... سرکوب و عشانه انقلاب و فریادهای انقلابی ، طبق قوانین تعطلی ناپذیر الهی توانست که بنی بشر حتی حق دو خواست تغییر آنها را نیز ندارد! امروز تمام تلاش حزب رژیم جمهوری اسلامی این است که با کشتارها و سرکوب های اسلامی اثر همه امیرالمسلم و طبقه سرطایه در انفعالند که مرموع مرموع بود بکر خوبی باشد ، مرموع مرموع بنیادهای اسفکار کارگران را با قطع و قطع انقلاب و انقلابین سرکوب کرد... خیر! کارگران و زمکشان ایران هرگز نباید حتی لحظه ای به تهیست این حکومت بزرده ای به داخلمان آن حد رسانند... تا خیابان جدائی کامل مذمب از دولت و فرغ هرگونه ستم و عصبیت مذمبی در هیچ مردم مستقیم و هیچ وجه از جنین... و حتی حمایت نخواهم کرد... دفاع از جمهوری اسلامی ، چه حزب و چه دولت ، که دشمنی آن با مردم مرموع ایران دیگر نیازی به اثبات ندارد... از مرموع مرموع و برهمنیان و چهره ایران و سا نوکران بی چهره و واجب آن همین کنهتیی است که وجوده ای ما برمی آید پس! کارگران و زمین نگار! هرگز!

... این همان جنسی است که شجارت حکومت اسلامی است و طام جنایاتش را با آنگاه به اسکا با سلام مرتب شده است... مذمب که همیشه ابزار و اسبابی در خدمت است کارگران بوده است در دست ایان تمام کسطل به سلاسی برنده برای دفاع از جامع سرطایه و امیرالمسلم بدل شده است... امروز دیگر همه مردم اسامک اسامک که بر طبق آن مرموع به راحتی دختران و پسران خرید و سال و به جوجه های اعدام خورد و دست گرونگان صفاصل را قطع نمود ، زندانیان را شکنجه کرد و مخالفان را کشت ، نوم کش ها را تمام کش کرد ، اسرا را سنگسار و پاهای جبهه برهمنیان حرام نمود و راستی خوبی شناسند و اندوختند و میدهند که حتی بیداد گامه نظامی شاه نیز از دستور چنین اسکاکی اباد اشعد... به اجراء آمدن همه اسکاکی اسامک... در خدمت سرطایه و امیرالمسلم... این همه آن چیزی است که قدرت یافتن صغرب جمهوری اسلامی و تهیست حکومت مسعود

نموده شد... سرکوب و عشانه انقلاب و فریادهای انقلابی ، طبق قوانین تعطلی ناپذیر الهی توانست که بنی بشر حتی حق دو خواست تغییر آنها را نیز ندارد! امروز تمام تلاش حزب رژیم جمهوری اسلامی این است که با کشتارها و سرکوب های اسلامی اثر همه امیرالمسلم و طبقه سرطایه در انفعالند که مرموع مرموع بود بکر خوبی باشد ، مرموع مرموع بنیادهای اسفکار کارگران را با قطع و قطع انقلاب و انقلابین سرکوب کرد... خیر! کارگران و زمکشان ایران هرگز نباید حتی لحظه ای به تهیست این حکومت بزرده ای به داخلمان آن حد رسانند... تا خیابان جدائی کامل مذمب از دولت و فرغ هرگونه ستم و عصبیت مذمبی در هیچ مردم مستقیم و هیچ وجه از جنین... و حتی حمایت نخواهم کرد... دفاع از جمهوری اسلامی ، چه حزب و چه دولت ، که دشمنی آن با مردم مرموع ایران دیگر نیازی به اثبات ندارد... از مرموع مرموع و برهمنیان و چهره ایران و سا نوکران بی چهره و واجب آن همین کنهتیی است که وجوده ای ما برمی آید پس! کارگران و زمین نگار! هرگز!

... این همان جنسی است که شجارت حکومت اسلامی است و طام جنایاتش را با آنگاه به اسکا با سلام مرتب شده است... مذمب که همیشه ابزار و اسبابی در خدمت است کارگران بوده است در دست ایان تمام کسطل به سلاسی برنده برای دفاع از جامع سرطایه و امیرالمسلم بدل شده است... امروز دیگر همه مردم اسامک اسامک که بر طبق آن مرموع به راحتی دختران و پسران خرید و سال و به جوجه های اعدام خورد و دست گرونگان صفاصل را قطع نمود ، زندانیان را شکنجه کرد و مخالفان را کشت ، نوم کش ها را تمام کش کرد ، اسرا را سنگسار و پاهای جبهه برهمنیان حرام نمود و راستی خوبی شناسند و اندوختند و میدهند که حتی بیداد گامه نظامی شاه نیز از دستور چنین اسکاکی اباد اشعد... به اجراء آمدن همه اسکاکی اسامک... در خدمت سرطایه و امیرالمسلم... این همه آن چیزی است که قدرت یافتن صغرب جمهوری اسلامی و تهیست حکومت مسعود

نموده شد... سرکوب و عشانه انقلاب و فریادهای انقلابی ، طبق قوانین تعطلی ناپذیر الهی توانست که بنی بشر حتی حق دو خواست تغییر آنها را نیز ندارد! امروز تمام تلاش حزب رژیم جمهوری اسلامی این است که با کشتارها و سرکوب های اسلامی اثر همه امیرالمسلم و طبقه سرطایه در انفعالند که مرموع مرموع بود بکر خوبی باشد ، مرموع مرموع بنیادهای اسفکار کارگران را با قطع و قطع انقلاب و انقلابین سرکوب کرد... خیر! کارگران و زمکشان ایران هرگز نباید حتی لحظه ای به تهیست این حکومت بزرده ای به داخلمان آن حد رسانند... تا خیابان جدائی کامل مذمب از دولت و فرغ هرگونه ستم و عصبیت مذمبی در هیچ مردم مستقیم و هیچ وجه از جنین... و حتی حمایت نخواهم کرد... دفاع از جمهوری اسلامی ، چه حزب و چه دولت ، که دشمنی آن با مردم مرموع ایران دیگر نیازی به اثبات ندارد... از مرموع مرموع و برهمنیان و چهره ایران و سا نوکران بی چهره و واجب آن همین کنهتیی است که وجوده ای ما برمی آید پس! کارگران و زمین نگار! هرگز!

... این همان جنسی است که شجارت حکومت اسلامی است و طام جنایاتش را با آنگاه به اسکا با سلام مرتب شده است... مذمب که همیشه ابزار و اسبابی در خدمت است کارگران بوده است در دست ایان تمام کسطل به سلاسی برنده برای دفاع از جامع سرطایه و امیرالمسلم بدل شده است... امروز دیگر همه مردم اسامک اسامک که بر طبق آن مرموع به راحتی دختران و پسران خرید و سال و به جوجه های اعدام خورد و دست گرونگان صفاصل را قطع نمود ، زندانیان را شکنجه کرد و مخالفان را کشت ، نوم کش ها را تمام کش کرد ، اسرا را سنگسار و پاهای جبهه برهمنیان حرام نمود و راستی خوبی شناسند و اندوختند و میدهند که حتی بیداد گامه نظامی شاه نیز از دستور چنین اسکاکی اباد اشعد... به اجراء آمدن همه اسکاکی اسامک... در خدمت سرطایه و امیرالمسلم... این همه آن چیزی است که قدرت یافتن صغرب جمهوری اسلامی و تهیست حکومت مسعود

برقرار باد جمهوری انقلابی - دموکراتیک کارگران و زمکشان ایران! زنده باد سوسیالیسم!

شاه حکومت نظامی برقرار کرد ، حکومت نظامی را دردم حکمتم ولی مگر آنچه امروز در شهرها برقرار است فرقی با حکومت نظامی دارد ؟ امروز هیچ تا بنده ای در اطراف نیست ، مرتفق بدست و قدره بندی به خود حق میدهند تا جیب ما به نوا بشود کارخانه را قرق کند ، دستگیرمان کند ، بازداشتان کند و به سویان شلیک کند ، خانه ما به نوا زیر و رو کند و مرچه میخوام محضاً خرید ببرد

شاه جلوی آزادی مطبوعات ، آزادی بیان و آزادی اجتماعات و را سد کرده بود ، تا همه این آزادی ما را باز دست دادند جان هزاران تن از عزیزان ما بگرفتند اما مگر آنچه امروز برقرار است با اختناق آبرو مری فرقی دارد ؟

قدرت نکند ! " هم دیروز وهم امروز ایان تنها از سنا چیز میترسند قدرت بوده هسا ! اما کارگران ایران که خود خواران برچیده شدن ارتش حرفه ای و مسلح شدن عده ها وارگانهای قدرت توده ای مستعد خوب میدانند که با روی کار آمدن نظامیان حکومت آبرو مری از پهلوی جان آنها خواهند شهربور این صورت پس از چند سال جنگ و گریز و خون و خونریزی من از تحمل اینهمه سختی جانگذاختن از سنا جای اولشان باز خواهند گشت کارگران و ایان همه حطت ؟! هرگز !

آیا کارگران باید به دنبال مجاهدین خلق حرکت کنند ؟

خیر ! برکن این مجاهدین خلقند که باید بنیز بپریم کارگران گردانند ! مجاهدین خلق چه میگویند ؟ آنها در خیابانها فریاد میزنند " مرگ برهمنش درود برهنش صدر ! " " بنی حنرف بنی صدر حمایت میکنم ! " و با کتف کله کارگران از دشمنان خود حمایت نخواهند کرد و دنیا لسه روی کار مجاهدین که این شماره را میدهند برای کسار کارگران چیزی جز به پای خود به صلح رفتن نیست اما با یکبارگی شدن بنی صدر اغیراً شنیده ایچکس مجاهدین گفته اند بدون بنی صدر نیز به راه خود ادامه خواهند داد راستی راه مجاهدین چیست به چه کجا ختم میشود ؟ آنها برای کارگران و زمینشان مبروم ایران چه میخواهند ؟ حکومت عدل ملی ؟ قسط اساسی ؟؟ جامعه بیسی طبقه تصحیحی ؟؟؟

به گواهی بنده داشتن کف دست آزارگنهای حکومتی و طایر خواران و کف بی بودن است ؟ اگر چنین نیست چرا به بدر بنزگوار اعدامی بزوجند ؟ باید بیروسم که در حکومت عدل ملی با زهم طبیعت های تحت تسلیم بجرم تجزیه طلبی کشتار میشود با استیانت مجاهدین حسیق تعیین سر و کتف طایر مبارزه برصیت میشناسند ؟ و اگر چنین است چرا آیدنا صلا هیچ کس به رزندگان انقلابی کردستان نمیرسد ؟ و از خدست مبارزانی در ارتش که در حال کوهپن کردستان است امتناع نکردند ؟

باید از مجاهدین بیروسم که در حکومت عدل آنان زبان با زهم از تقاضای مبرومند ، از تکفل فرزندان خود مبرومند ، از اشغال مدارس حساس امر مبرومند ، باید ما سه موری دیگر در کنار خود کنار بیاوریم باید سنگار شوند و نهایی خلق داده شوند ؟ اگر چنین نیست پس چرا در آن تجدید نظر نمیکنند ؟ شاید آنان بر واهران جدیدند ؟ باید از مجاهدین بیروسم آیا در حکومت مبرومند ؟ آنان با زهم دست لرزگان مستعمل را بنیز گوییم خواهند گذاشت ؟ کجا تقاضای اصلاحی رعایت خواهند شد و با قرار است به انسان مبرومه بسته شود ؟ باید از مجاهدین بیروسم آنان به احکام از لیس و بندی الهی ایان دارند یا به توده ما ؟ آیا تامل مجدد آنها به حرکات پهلوی و جدا از توده دلیلی بپریم ایان آنها به قدرت توده ما نیست ؟

خیر ! کارگران به شششان انقلابی ایران پس از طی تجربه خرین در ساله اخیر آریخت اندکس به مبارات بر خالی دلفوش میکنند . آنها دریافته اند که به حرف باور میکنند . دریافته اند که باید بسیاری تحقن آمدن فکری و پهلوی جازه کنند که هیچ مستعد و ملکی و مریح حکم و خطبه ای نتواند آنها را به میل خود تصور و تمییر کند حال اگر مجاهدین نیز با کارگران موافقت ، مراد از آنکه موافقت باید دست از سهم گوش و تقابله اقوال الهی بردارند و به زبان آدمیزاد بگویند که قانون برای ما ن اهدافی مبارزه میکنیم که کارگران و زمینشان بخاطرش می راهد و در غیر این صورت نیز صریح روشن بگویند که بعنوان یک تهری سیاسی با دو خواست مبروم کارگران و زمینشان در انقلاب حاضر یعنی **کلیان و آزادی** چه خواهند کرد ؟ کارگران و زمینشان ایران اگر هیچ چیز در این انقلاب نخواهند . شد دستک صلی خنات نیست کردن به انقلاب را خوب درک کرده اند . بی با زهم اینک احداث صلی پیشروی و پیروزی انقلاب را ضحیر میکنند تا بتوانند برای خنات یا تحریف نیز مناسکی دقین و کیری عظم در نظر بگیرند و اگر چنین نکنند خودجای با ک خود امید داده اند کارگران و خنارا غما مات دستک گشته ؟! هرگز !

پس چه باید کرد ؟

اگر این را از سر به زبان ویا حتی فرزندان آنها مبرومند همه باسی شصتی روشنی بشما خواهند داد آنها میگویند باید : کشیم تا یک حکومت قدرتمند سر و کتف و بیاید که نظماً مبروم را در همه جا برقرار کند . باید ارتش را بپوشد یا سنده که میگویند . بجاوند به خاک و هتساده مینمان چسب ننگه کنند . پهلوی را در بری عظم و کار آمدی باید ایجاد شود که جلوی اینهمه بی نظمی و اختصار را بگیرد . با فاسان و تجزیه خنات را بر سر جانمان بشناسد . کارگران که پای از غم خود درازتر کرده اند را ادب کند .

شاه اصحاب را قتل کرده بود ، با باجبارزات خود به صفا اصحاب را آزاد کردیم بلکه دشمنان را بیسه التماسی و اد اشتم ، اما امروز چگونه است ؟ پس برای آیندو جناح در بین خود آنها همد و ندانه ولی ماند . د برای آنها اصول بر سر چگونگی سرکوب دست و در مریجنگی که بیوی هم میاند از نسید انقلاب و دستاورد ما پیش رانیز نگد مال میکنند

انقلاب به توده های انقلابی مکی است و مبروم زمان نقش توده ما به صفا کارگران تقبل باید بنی گمان فاحسه انقلاب خواهند شده است . در حضور مبروم در صحنه مبارزه بخودی خود به معنی به شهوری دشمن است ، اگر آیند و جناح با دوامی خود بخواهند طریقه خانه ما میان بفرستند و از نظر سیاسی خنالی کنند باید قبول کرد که جمهوری اسلامی خرین همه شصت مایتن توانسته است بخوبی رسالت ضد انقلابی خود را به پایان برساند و مویتمین را ایجاد کند که امر با صحت ما بخواهد حکومت بیاورد و مطلوب خود را برقرار سازند

بی طاوتی مادر قابل آنچه امروز اتفاق می افتد و لا قدری مادر قابل فرصت مایی که از دست میسرود چیزی جز شکست طلبی نیست . کارگران ایران کسه انقلابی بر شکوه آغاز کرده اند تا بیوزی نهایی یکدم از پای نخواهند شصت و رسالت تاریخی خود را که همانا رهاساختن بشریت از ستم و استعمار است ، به فراموشی نخواهند سپرد .

بی طاوتی نیست به امر انقلاب تنها از عهده روشنگران کوهن و روز دلا نی بر می آید که از انقلاب ترسیده اند ، از مبارزه خسته شده اند جازده اند و در فکر آرایش روایات و اهمیت روز شطاری میکنند . کارگران در این ابرود هر قدر هم که طولانی و دشمنانک باشد چیزی جز زنجیرهای برگی خود را ندارند که از دست بدهند کارگران و شکست طلبی ؟! هرگز !

آیا باید به نظامیان کودتاچی دلخوش کرد ؟

براستی سخوره است اما عده ای چنین تمییز میکنند که بگذار نظامیان بیاوند مرچه باشد بهتر از ایان خواهند بود ! این به اصطلاح مخالفان حکومت همانهایی هستند که در گذشته به گفته بگذار آخوند ما بیاوند مرچه باشد بهتر از شاه خواهند معنی عروغه های شوم ایان جز این نیست که " کارگران و زمینشان شهادتانی در امر مبروم به

پیش بسوی "اتحاد کارگری علیه بیگاری"!

که از ماری در تهران حکم میراند آمل در دست
جوانان انقلابی آن شهر بود

خوب بخاطر دارند که در حالیکه هنوز حکومت شاه بر سر
کار بود مردم بعضی از مملکت شیوا صلحانه از خانه
و محله خود با صداری می نجاتند * خوب بخاطر دارند
که در حالیکه استاندار خیزستان هنوز مطابق فرمان
شاهپوش خاتونین تمام کشوری خیزستان محسوس است
غدا که همه اصحاب کارگران صنعت نجات هم میراند *
در سهای انقلاب و گرام به مای آلوده که توده های
کارگری و محنتی اگر در خوا های انقلابی کارخانه و محله
سهاز خانه گرد آید * اگر کشته های پر قدر است با
تکمیل دهند * اگر کشته های صلح زود گسان
انقلابی محل را داشته باشند * اگر در شهر دیده گوش
بفرمان شورا های واقعی باشند گان انقلابی خود باشند
حتی اگر شاه با لشکر گاردش بر برگردند شکستش خواهند
داد *

کردستان انقلابی سر مشق دیگری است برای
کارگران و زحمتکشان ایران * در حالیکه دولت مرکزی بر
سر کار بود و واحد های نظامی اش را به گردن کارگران
کرده بود * بلکه هوسایر ارتگواوی قدرت مطلق بود
* مادی و شرعاً و بیستاً ما حکم میراندند را از آزادی و سایر
حقوق صلح مردم با صداری می نجاتند و نیز توده های
قدرت مردم * انقلابیون و کوششها میخوانند در گردن
انگه مزی تشکیل دهند و * * * * *
باید آن زمان که در جوی دشمنان به نتیجه رسید
و شد انقلاب بازرگانی به زیر پرچم رهبران جدید خود
مختصت مایز به قدرتی متشکل فر میر توان برود میل
شده باشیم *

گیریم که تمسار مدنی با سر مشق دیگری بخت بخشی
از واحد های نظامی یک روز صبح از زاد بیستوسط جمهوری
اسلانی بهر تری حکومت نظامی را احاطه کند * گستر
توسیع کرد در همان زمان کارخانه ها در دست
شورا های با پند گان کارگران * محانت در تصرف کشته
های انقلابی مردم محل و شهر مای چون آمل
در تصرف نیرو های مردمی و صنعت رهبری ارتگواهای
قدرت بود ای خود باشند ؟ مگر نشود که وزارت کار
خانه کارگره کاربای مادی در تصرف اتحاد کارگری طبقه
بیکاری باشند و وزارت سکن و شهر سازی * شهرکها
انبیه دلیتی و استاد بیم مادی در تصرف جنگ زدگان و کسر
نشان زحمتکش ؟

بدون شک اگر توده ما را بسج کنیم و در راه تحقق
این اهداف به مبارزه ای جدانه برخیزیم همه اینها
شدنی است * باید کاری کنیم که کود طویان با سر
حکومت دیگری که باز برای سرکوب انقلاب بر سر کار خواهد
انگیزی از برصیت شناختن قدرت متشکل توده ها باشد *
امروز کار فرطیان سر راهی داران بکله انجمنهای
اسلانی و شورا های زود در کارخانه ها حکومت میکنند * تا
دشمن برسرو میزند یگر میکنند باید شورا های
فره پایی را ساخت کنیم * شورا های انقلابی کارخانه
را ایجاد کنیم * انجمنهای اسلانی و سایر مراکز جاسوس
و دشمنی طبقه کارگران را خلع کنیم * جاسوسان
را شناسایی و اخراج کنیم و حتی اگر لازم شد خود محاکمه
و مجازات کنیم * نیرو و خروج محصولات را از کارخانه زیر
نظارت و کنترل شورا قرار دهیم * اتاق های جاسوسی را در
کارخانه بخطر نشت و بیبختی کارگران به تصرف
در آوریم * در هر کارخانه دیواری تعیین کنیم * هر
آن نگهبان بکاریم تا هر کسی هر چه که میخواهد ببرد
چراغ اطلاع کارگران بر آن بچسباند * در کارخانه
روزانه دیواری را راه بچاندیم * درهای کارخانه را
بر روی سایر کارگران بکشیم تا کارگران برای جمع و گرد
همانی بکارخانه طایبند * بکتر سازند می گارد
کارخانه از میان کارگران رزنده باشیم * با شورا های
انقلابی در سایر کارخانه ها متحد شویم * * * * *

امروز در ساعات با صدای آن کیمته چی ماحکم
سرانند * از قاصی موسی را صاحب کله حاجیان بازار

و تجار بدست مردم خوانند * * * * *
و شریک یگر میکنند باید کیمته های انقلابی محصل
و انتشل کنیم * امروزه مردم انقلابی محل بخواییم
که گرد آن صبح شوند * * * * *
براکر صاواک و شاهه های اس و مراکز جاسوسی دشمنان
و تصرف کنیم * جاسوسان و خنجر چاقان دشمنان را در
محله شناسایی و دستگیر و محاکمه کنیم * دشمنان را
در محله غلغ سالیج متکلم * از چهار و محنتی که
دو ساجد لانه کرده اند خلع کنیم * تریخ ارتقا
می راندست ارتگواوی مرد اعطاء و منتخب مردم محل
بسیاریم * برای تهیه شیاطین مردم بجای دهستان
بد نیال حاجیان بازار مستقیماً با کارگران و کشا روزان
و تولید کنندگان مستقیم تماس و همکاری برقرار کنیم * * * * *
جوانان انقلابی محل و سر بازاران حین خدمت را با سر
خوانیم تا اذیت محله را بطریق نظم و متشکل بپذیرد
بگیرند * پارت یا میدانی را در محله به صلح جمع
و همکاری و بیبختی گرد هم آتی اهل محل در محصل
کنیم * در آن تریون و بلند گوئی مویا کنیم تا مردم
بخوانند بهترین رهبران شان را بشناسند و منتخب
از میان آنها رخت بپوشند * و از اهل محل گاردی تشکیل
دهیم تا از کله آزادی های در کارخانه در محله پاس
داری کنند و از او با بی باخیه در شی رفع نمایند و
خانه های خانی و اهالی محل و همچنین امکان استقرار
گوی دشمن را به نفع زحمتکشان بی سکن و استقرار
ارتگواهای توده ای محل صادر کنیم * با ارتگواهای
معلی محانت مجاور بران تحقق بخش و مستحکمتر
بان و آزادی متحد شویم و * * * * *

کیمته ایجاد نیز در دشمنان برسرو میزند یگر
بکیمند * بکوشند تا اتحاد کارگری طبقه بیکاری را بجا
گذارند * بکله همه خط باید برانیم تا از بزرگه حکام ضد
کارگر جدید بروتست بپوشند سازمانی بر قدرت رزنده
از کارگران شافل بیکار برمود آوریم تا با نیروی خود
از این طریق محسوس توده های طبیبی زحمتکشان
بیکار و جنگ زده را با هم کنیم چه شعار بخشهای
از تولید برای بیکاران * جابه عمل بروشانیم و گامهای
جدی در جهت کنترل کارگری بر تولید و توزیع محصولات
برداریم * اتحاد کارگری طبقه بیکاری بفرمان بکله
ارتگان احال اراده کرده ای در کنار شورا های
کارخانه و محله * نه عیسا در طبقه نان بسیاری
زحمتکش بیکار * بلکه در حق تمامی اهدافی که
نیاز به جابزه متشکل و متحدانه کارگران و زحمتکشان
دارد برقرار آید خواهد بود *

کیمته ایجاد کارگران تمام هم خود را صرف ایجاد
اتحاد کارگری طبقه بیکاری خواهد کرد چون به نقش
و اهمیت اتحاد کارگری طبقه بیکاری در تحقق اهداف
انقلابی کارگران و تقویت بنیه مبارزاتی آنان بمسوا ن
سهازان پایه آرزو رنده * انقلاب جهان دارد و کارگان
در این راه چشم امید به ماری ضد کارگران اتم
از شافل میوز دوخته است * در این دوره از جنگ
قدرت و زور کار * کاربای ما * خانه کارگر باید به
محل استقرار ارتگواهای کارگری تبدیل شوند کیمته ایجاد
تلاش میکند تا با بسج لشکر مایزینی کارگران بکشا
در کارخانه شافل انقلابی * و دوام ارتگواهای
قدرت توده ای را تامین نماید * بکوشیم تا چنین شود *

کارگران هر زمان
ایران!
تاریخ کهن زلفی این چنین راهها را برای پیشروی

انقلاب بکشاید * روزی ایستای که جگر در دست
لحظه اش فرموشی است تا بکوشیم که خود و فرزندانمان را
از سر و دست لطفی که بنا * این نظام برسرو بر همان قرار
بدهد بر مانیم * امروزه شعله های انقلاب در سراسر
جهان * از السالوادو تا تایلند * در گرفته است *
مخزن باشند که فردا از آن دست * بر سر برده های
رابکارگری برزند * پیش از این دل به سر راههای عاقرمان
نسیبند و نرسیدند * سر و لب نشینند * بباخیزد مردم را
بر انگیزند تا خود به قدرت خود تا آنجا که توان داریم
شان سر نوشت خویش را بدست گیریم *
باید به قدرت خویش مای شیوا ابدانید تا
رمانی از جنگ فقر و گرسنگی و جهل * خرافات
خفتان * جنگ بی حقوقی و افکندگی که به
آن دچاریم راهی دراز و پر فراز و شیب در پیش است *
کاروانی که در کوه به پیش روید * گروهی که
قصد صعود به قله ای را دارند * مسافری که از ایمن
سوی به آن سوی دریا سفر میکنند همه به یک راه
هند نیازمندند * نیازمندند که بدانند با طوفان
شان * با صبح دریا با بیرون برف چه باید کنند * * * * *
طوفان این انقلاب از تکان دریا صعب ترست
از بیرون برف کشنده * تر از باد کوه کورکننده * تر است
اگر بتواند از آنچه در اطرافتان جگر در در آورید
اگر ندانید که در این انقلابی جنگ و کشتن
قاصوت چه باید کنید * راه بجایی نخواهد برد
تصریه یک نعل بین انقلاب کفای نیست که با هر
تصدیاتی با ت و صیوب و در آمده شهید * * * * *
هر چه کوشیم این چهارچوب که صبره دمها
انقلاب و نظم و انظمی ملیرها تا روزی رنده * انقلابی را با
خود حمل میکند * * * * * کوشیم این دستور جهانی
برونظرا این چهارچوب که خط شرایط مبارزه را تعیین
شخصت *

زنده باد سوسیالیسم!
برقراری جمهوری انقلابی کارگران
وزحمتکشان!
☆☆☆

در پیش و تکثیر این
شماره "علیه بیگاری"
مجددانه بکوشید

بسیار! کارگر! امید خلی ایران! رهبر زحمتکشان!



سه تن از یارانمان به جوخه های اعدام سپرده شدند

تا این لحظه که این مطهر امینگاریها خیر شده ایم که سه تن از رفقای اتحاد مبارزان کمونیست که یاران صدیق و فدائیکامیته ایجاد بودند بدست جاسادان جمهوری اسلامی ایران تیرباران شده اند . رفیق طلعت رحمتا ، رفیق فرنوش وکیل زاده و رفیق دیگری که نام او را بعداً به اطلاع شما خواهیم رساند کمونیستهای مبارزی بودند که جانشان را در آنگاه کردن کارگران ایران فدا کردند . آنها تروریست نبودند ، آنها با اسلحه و نارنجک بدام نیافتادند آنان در حال سربردن پاسداران دستگیر نشدند . این عزیزان تیرباران شدند چون نشریات کمونیستی و از جمله " علیه بیکاری " را بدست شما کارگران می رسانند . افتخار بر آنان ! ما همه سوگند میخوریم راه سرخ آنها را ادامه خواهیم داد ما از اینکه چنین عزیزانی را از دست میدیم متأسف نیستیم . این منتهیست کمونیستهاست و آنان بار دیگر با مرگ خود ثابت کردند که کمونیستها مرکز سازش نخواهند کرد و برای رهائی بشریت از هیچ مانعی نخواهند فرساید . تأسف ما از این است که آنان با شما بودند و در حضور شما دستگیر شدند تاأسف ما از این است که در حالیکه شیر مردان و شیر زنانی چون اینان نشریات کارگری را به قیمت خون خود بدست شما میمانند عده ای از شما حتی از گرفتن و خواندن آنها هم می فرسایند! تاأسف ما از این است که امروز فوج فوج از مبارزان را در همان صحن کارخانه و از میان شما دستگیر میکنند و به جوخه های اعدام میسپارند و شما ساکت و صامت نظاره میکنید ! این شرم آور است !

باکه باید گفت که کارگران و زحمتکشانی که سینه در مقابل گلوله سیر میکردند و بایک بطری به جنگ تانکها میرفتند این چنین مروج شده اند که در مقابل

اینهمه جنایت و اینهمه تجاوز به حقوق حقه خود ساکت نشسته اند

در کارخانه پارس الکتریک ۱۷۰ نفر از کارگران دستگیر شده اند و در رهنز خاورنطینده کارگران در شهر ایه اسارت درآمده است و در کارخانه های دیگر و محلات کارکنان نیز هر روز شاهدیم که ما میروان و مزدوران رژیم چون گرگ به میان گله افتاده اند و مرگه را میخواهند میبرند و میدرند آیا تصور میکنید که سکوت شما ، شمارا از سر نوشت شوخی که در انتظار یارانتان است ، نجات خواهد داد ؟

بس کنید محافظه کاری را ! بپاخیزید و بدست بدست هم بدید ، دهان یاوه گویان را که آیه یاس میخوانند با مشت بر قدرت خود خرد کنید . کافعی است که یکقد چه پیش بردارید تا ضعیفترین جمهوری اسلامی این قصاب انقلابیون را با چشم ببینید . کشتار های بی حساب و کتاب رژیم جز برای ترساندن شما نیست نترسید و مطمئن باشید که در مقابل مقاومت توده ای جمهوری اسلامی یکبارہ ازمم خواهید پاشید .

تنگ و نفرت بر جمهوری اسلامی ایران !
 شرم بر آنانکه در مقابل جنایات رژیم سکوت میکنند !
 ★ ★ ★

پرونامه اتحاد مبارزان کمونیست

و بیانیه اخیر اتحاد مبارزان کمونیست

در باره وضعیت کنونی را بخوانید

کمیته ایجاد به کمک های مالی شما نیازمند است

بعلت خفقان موجود و عدم امکان فروش نشریه این شماره از طبعه بیکاری و یگان توزیع میشود اما مطمئناً ادامه این کار برای ما محال است پس لازمست که کمکهای مالی خود را از هر طریق که میتوانید دست ما برسانید .

کارگران جهان متحد شوید !